

معلولیت تاوان اعمال بد زندگی نیست

بعد از انتقادها به ویلچر نشین شدن شخصیت منفی سریال «دل»

به سراغ بازیگر آن نقش، «کورش تهامی» رفتیم و نظر

یک معلول ۹۸ درصدی را در این باره پرسیدیم

پرونده

«نکیسا» در سریال «دل» برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش دست به نا جوانمر دانه‌ترین و غیر اخلاقی‌ترین کارهای ممکن می‌زند تا شاید طعم شیرین خوشبختی را بچشد اما در قسمت آخر سریال بعد از خودکشی ویلچر نشین می‌شود. اتفاقی که انتقادهای جامعه کم توانان جسمی را برانگیخت چرا که معتقد بودند در فیلم و سریال‌های ایرانی معلولیت و ویلچر نشین شدن به عنوان عقوبت رفتار شخصیت‌های منفی به تصویر کشیده می‌شود. البته این اولین بار نیست که چنین اتفاقی در سریال‌های ایرانی می‌افتد. چندین و چند بار دیگر هم در سریال‌های ایرانی شاهد این ماجرا بودیم که یک شخصیت منفی را با فلج کردن یا ابتلا به یک بیماری لا علاج به سزای اعمالش می‌رسانند. نقش «زیور» در سریال «آوای باران» که به دلیل رفتارهای بدش در قبال یک دختر بچه در قسمت آخر به یک بیماری روانی مبتلا شد و به تندی گری افتاد، «انیس» در سریال «ستایش» که به دلیل جفاهاش در حق برادر شوهرش معلول شد و تا قسمت‌های پایانی این سریال ویلچر نشین شده بود و «فرزانه» در سریال «کیمیا» که او هم شخصیت منفی داشت و ویلچر نشین شد، شاید تداعی کننده این تفکر غلط در ذهن برخی باشد که معلولیت تاوان اعمال بد در زندگی است! شاید به تصویر کشیدن این اتفاق در هر سریال به خودی خود چندان ناخوشایند نباشد و ادعا شود منظور بدی پشت آن نبوده، اما بروز این موضوع در آثار به دفعات و براینند سریال‌ها ممکن است خاطر بخشی زیادی از جامعه معلولان کشور را مکدر کند. در پرونده امروز زندگی سلام، با کورش تهامی بازیگر نقش نکیسا درباره این موضوع گفت و گو کردیم؛ تهامی در کنار پاسخ به این موضوع به نکات جالبی درباره دل اشاره و حتی خودش انتقادهایی را هم متوجه سریال کرده است. همچنین نظر «وحید رجبلو» ۹۸ درصد معلولیت را که کارآفرین موفق است، در این باره خواهید خواند.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۹

۱۳ صفر ۱۴۴۲ • اول اکتبر ۲۰۲۰

شماره ۲۰۴۸۹

۱۷۰۹



معلولیت، عقوبت نیست

نظر «وحید رجبلو» کارآفرین دارای معلولیتی که به

پایان بندی سریال «دل» اعتراض دارد



«توسینمای ایران کارگردانا آخر قصه آدم بدا رو می نشونن رو ویلچر تا گناهکار بالاخره به سزای عملش برسه. آقای منوچهر هادی نمی دونم چند میلیارد از فروش سریال آبکی دل سود بردی ولی اگر خلاقیت و هوش کافی برای نمایش تنبیه گناهکار ندارید، حداقل باعث هدر رفتن زحمات معلولان برای فرهنگ سازی جامعه نباشید». این چند خط، متن توثیت وحید

رجبوست؛ جوانی با ۹۸ درصد معلولیت که کارآفرین موفق است و بیشتر در زندگی سلام پای حرف‌های او نشسته ایم. درباره سریال دل با رجبلو تماس گرفتیم و ایشان هم به دلیل مشغله به جای گفت و گو از ما خواست یادداشتش را در اینستاگرام دوباره منتشر کنیم. رجبلو در صفحه اینستاگرامش هم به پایان بندی سریال دل و معلول شدن شخصیت منفی واکنش نشان داد؛ «رستا به آرش می رسد و توطئه گر و آدم‌بای متجاوز هم به سزای اعمال خود می رسند؛ چطور؟ معلول می شوند! شبیه همه داستان‌های سطحی وزرد [...] آدم‌های بد حتما در این دنیا بلایی سرشان می آید و با آسیب دیدن بخش‌هایی از بدنشان تاوان پس می دهند طوری که دل آدم‌های خوب خنک شود. [...] بسیاری از فیلم‌های نسل اول سینمای [جهان] از معلولیت استفاده می کردند تا اثر کمدی و ملودرام فیلم را تشدید کنند و غالباً هم فرد معلول در قالب کلیشه‌ای تبهکار یا قربانی یاد ر تلاش برای انتقام به خاطر معلولیتش به نمایش در می آید. برای دهه‌هایتمادی ویلچر می شود عنصری از صحنه‌هایی با مضامین شرپورانه، ناتوانی، مافوق بشری و به دور از صفات انسانی تا این که پس از جنگ جهانی دوم کاراکترهای جانباز خلق می شوند و چشم انداز تازه‌ای از معلولیت در سینما ترسیم می شود. [...] در دهه ۱۹۶۰ و همزمان با دوره حقوق مدنی در آمریکا، هویت طلبی افراد دارای معلولیت خود را نشان داده و به نهضت مطالبه حقوق افراد دارای معلولیت تبدیل می شود؛ این جنبش تاثیر خود را در سینما هم نشان داده و منجر به ظهور فیلم‌هایی می شود که تصویر سازی آن‌ها از افراد دارای معلولیت، تقریباً منطبق با واقعیت است...». او در ادامه تحلیلیش درباره نمایش معلولیت در رسانه، با اشاره به سینمای ایران می نویسد: «در ایران، اگر چه روند نسبتاً مشابهی را شاهد هستیم [...] اما متأسفانه همچنان تعداد فیلم‌هایی که از معلولیت به عنوان کلیشه مکافات عمل یا همان عذاب الهی بهره می برند، زیاد است». «منوچهر هادی» در مقام دفاع از خودش، جوابیه‌ای منتشر کرد با این مضمون: «ظاهراً عده‌ای از شما عزیزان انتقاد کردین که چرا عقوبت نکیسا در داستان دل باید روی ویلچر طراحی بشه؟ [...] نکیسا در سریال دل خودش باعث این معلولیت شده در اقدامی که تصمیم به خودکشی داشته. اصلاً ارتباطی به کسانی که معلول مادر زاد هستند یا در سانحه‌ای ناخواسته یا به اشتباه و تصادفی معلول شدند، ندارد». این پاسخ اما به نظر رجبلو قانع کننده نبود، او نوشت: «... دریغ از کمی بیان همدلی و همراهی برای فرهنگ سازی». در این بحث، نظر شما چیست؟

اگر احساس می‌کردم بی احترامی به معلولان است، آن صحنه را بازی نمی‌کردم

گفت و گو با «کورش تهامی» بازیگر نقش نکیسا که ویلچر نشین شدنش در قسمت آخر سریال دل با انتقادهایی همراه شد

نخاع شود، بقیه عمرش را باید روی ویلچر بنشیند. آیا به چنین آدمی ویلچر نمی دهند؟ ویلچر یک وسیله پزشکی است و در واقعیت هم همین طور است. به نظر من، هم اکنون یک موج انتقادی از سریال دل راه افتاده و الان هم بعضی‌ها در این موج افتادند و حالا این موضوع را مورد انتقاد قرار دادند.»

در هیچ دیدگاهی عمل نکیسا قابل قبول نیست

تهامی درباره شخصیت نکیسا و بازی کردن در آن نقش هم نظرات جالبی دارد و می گوید: «وقتی فیلم نامه را می خواندم، ابتدا و انتهای هر قسمت خیلی عالی و تاثیر گذار بود. ما بازیگرها در طول این سال‌ها تجربه‌ای پیدا کردیم و وقتی فیلم نامه‌ای را می خوانیم، می فهمیم که چقدر احتمال دارد که پر بیننده شود. وقتی هر قسمت از فیلم نامه را می خواندم، بارها از خودم می پرسیدم آن یک هفته‌ای که طول می کشد تا تماشاگر قسمت بعدی را ببیند، چقدر منتظر سریال خواهد بود؟ در سریال دل بیشتر از هر چیزی خود نقش بر اینم مهم بود. اجرای نقش نکیسا بسیار سخت بود. شخصیت نکیسا باید در یک لحظه با چهار حس مختلف بازی می کرد.

نکیسا همزمان و در یک لحظه باید پشیمان می بود، مغرور و مطیع هم می بود و به دیگران احترام هم می گذاشت. در هیچ دیدگاهی عمل نکیسا قابل قبول نیست ولی این یک نقش است. بعضی جاها در باره این صحبت کردم که شخصیت نکیسا را دوست دارم و بعضی‌ها فکر کردند من خود نکیسا یا کاری را که او کرده دوست دارم که مطلقاً درست نیست. من درباره نقش صحبت کردم و این که نکیسا با شخصیت من خیلی فاصله دارد. یک بازیگر باید خیلی تلاش کند که بتواند این جور نقشی را درست و بی کم و کاست بازی کند. نمی خواهم از خودم تعریف کنم ولی اجرای نقش نکیسا کار هر کسی نیست.

هر چند که نقدهایی به کل سریال وارد است اما این نقدها چیزهایی است که به من بازیگر ارتباطی نداشت. من به عنوان بازیگر سعی کردم نقش خود را درست بازی کنم. این که تهیه کنند یک سریال ۲۸ قسمتی را در ۴۰ قسمت پخش کرد، چیزی است که از دست من خارج است و گرنه خود من هم نقدهایی را به این کار دارم. سریال دل عجله‌ای ساخته شد. این کار قبلاً قرار بود با آدم‌های دیگری آغاز شود حتی بازیگر نقش آرش و نکیسا، ظاهر یکی دو بار تغییر کرده است. روی سریال هم سرمایه گذاری شده بود و باید هر چه زودتر فیلم برداری را شروع می کردیم. اگر این سرعت وجود نداشت، حتماً ما هم می نشستیم و درباره فیلم صحبت می کردیم تا محصول بهتری ارائه کنیم.»

آن وسیله به جز ویلچر چه چیزی می تواند باشد؟ دلیلی ندار که ما به جامعه معلولان توهین کنیم. اگر آن وقتی که این نقش را بازی می کردم حتی یک لحظه احساس می کردم که کوچک ترین بی احترامی به جامعه معلولان می شود، هیچ وقت این صحنه را بازی نمی کردم.»

ویلچر یک وسیله پزشکی است

تهامی به دفاع از عاقبت شخصیت نکیسا در سریال دل می پردازد و می گوید: «آدمی با سرگذشت نکیسا، عاشق شخصی بوده و تلاش کرده عشقش را به آن آدم نشان دهد اما موفق نشده است. او تمام کارهایی که کرده به خاطر این بوده که عشقش را ثابت کند. درس خوانده و در حالی که در گاراژ کار می کرده است، تلاش کرده زندگی قابل قبولی برای دختر مورد علاقه‌اش بسازد. این تلاش‌ها به ثمر نمی نشیند چون نکیسا به خاطر گذشته اش، یاد نداشته عشقش را ابراز کند. در این بین یک آدم دیگری روی ذهن نکیسا تاثیر می گذارد و او را اوسوسه می کند تا یک جوری به عشقش برسد. نکیسا در ورطه شبهه می افتد و یک کار قبیح را انجام می دهد. بعدش هم عقوبت کارش را می بیند. یعنی یک جوان خوب تبدیل می شود به یک موجود دیگر و از این بدتر چه چیزی وجود دارد؟ شاید فکر کنید نکیسا بعد از خودکشی باید می مرد اما اگر عاقبت نکیسا به مرگ ختم می شد شاید برایش بهتر بود چون دیگر زجر نمی کشید. اتفاقی که برای نکیسا افتاد بدترین عقوبتی است که سر یک انسان می آید که بعد از آن همه اتفاقات بنشیند و فقط به اشتباهات گذشته اش فکر کند. آدم‌ها

چطور باید با چنین شخصیتی رفتار می کردند؟ باید او را کنار خیابان می گذاشتند تا بمیرد؟ اگر این کار را می کردند، همه آدم‌های اطرافش بدمی شدند. نکیسا عقوبت کار خودش را دیده است. اگر در زندگی واقعی یک آدمی دزد یا قاچاقچی باشد و در تعقیب و گریز قطع

سرقت به سبک سریال «خواب‌بیدار» یا یک رفتار پرخطر به سبک «۵ کیلومتر تابعت» هم مورد تایید عوامل آن آثار نبود اما اتفاق افتاد. منوچهر هادی تصمیم داشته بازنده نگه داشتن شخصیت نکیسا بگوید ویلچر نشینی و معلولیت به مراتب سخت‌تر از مُردن بوده و نکیسا با نمردن هم در حال عقوبت است. این جاست که تلاش‌های صورت گرفته برای ایجاد امید و انگیزه در بین کم توانان ممکن است با پیام سریال رنگ بیازد. طبیعتاً مدنظر منوچهر هادی این بوده که بگوید نکیسا تاوان اشتباهات خودش را می دهد اما ابزار نامناسبی را انتخاب کرده است. به خصوص این که روند دیگر سریال‌ها هم در تشدید این برداشت از آثار سینمایی بی تاثیر نیست. فقط و فقط سریال

اثروضعی یک اثر در ذهن مخاطب را جدی بگیریم

آیا در یک اثر هنری می توان به راحتی ظاهر کار را دید و از پیام‌های آن غافل شد؟

در نظر مخاطبی باشد که برای ارتکاب به ناهنجاری در انتظار یک تکانه ساده است. یا مشابه ماجرای ویلچر نشین شدن شخصیت نکیسا، منوچهر هادی در شروع کارش فیلم‌های اثر گذاری را کارگردانی کرد و بعد کم کم در سینما و شبکه نمایش خانگی روبه آثار تجاری آورد. با این همه او فرد باهوشی است و می داند در لایه‌های مختلف یک اثر ممکن است پیام‌هایی ناخودآگاه ذهن مخاطب را درگیر کند که مدنظر فیلم ساز نبوده است. ما جرای

فیلم نامه نویس، کارگردان، بازیگر و کلاً هنرمندان در مواجهه با هنر نقدی ممکن است استدلال کنند صرفاً یک فیلم ساخته‌اند، یک فیلم که برشی از جامعه و سبک زندگی عده خاصی از مردم است و قرار نیست به همه جامعه تعمیم داده شود. خب شاید نیت ابتدایی‌شان این باشد اما گاهی ممکن است نتیجه با نیت مضمونانی نداشته باشد؛ مثل ماجرای به تصویر کشیدن خودکشی و شخصیت اصلی در سریال دل که می تواند باعث قبح زدایی از این عمل زشت